

# هنر قلمدان ساز

ابوالفضل ذابح

قلمدان و قلمدان سازی با هنر و فرهنگ ایران پیوندی دیرینه دارد. از یک طرف گرانمایه ترین میراث‌های هنری نقاشی، مینیاتور، تذهیب، تشعیر، حل کاری، خط، منبت کاری، خاتم کاری، ملیله کاری، مرصع و ترصیع ایرانی بر قلمدانها نقش بسته‌اند و از طرفی دیگر در گذشته‌ای نه چندان دور، قلمدان مهم ترین وسیله کتابت و بهترین عامل برانگیختن اشتیاق گوناگون مردم به فراگیری خطاطی و خوشنویسی بود. هم از این رو در زمانهای گذشته قلمدان حرمت و احترام بسیار داشت و استادان قلمدان ساز، عصا به قریحه و تمامی هنرشان را برای به وجود آوردن قلمدانهایی هر چه زیباتر و گرانباتر به کار می گرفتند، ولی وظیفه اصلی قلمدان، حفاظت از قلمها بود. قلمدان، که از دوره ساسانیان رواج داشت، تا اواخر دوره صفویه از آهن و مفرغ و به صورت مشبک ساخته می شد و بر روی آهن یا فولاد یا طلا، نقوش زیبا، نقره کوبی و زر کوبی می کردند. قلمدانهای

چوبی نیز می ساختند. ولی از اواخر دوره صفویه قلمدانهای مقوایی با نقاشیهای زیبا رواج یافت. ساختمان قلمدان طوری است که مانع شکستن قلمها می شود و در قسمتی از آن نیز دواتی فلزی جا می گیرد. چنان که ذکر شد، قلمدان سازی از عهد ساسانیان شروع شد و از دوران صفویه رونق و اعتباری تازه گرفت. قلمدانهای این دوره، از جمله اصیل ترین آثار هنری باستانی اند و رواجشان از گذشته‌های دور، در ایران، نشانه توجه ویژه ایرانیان به آموختن و تشویق همگان به با سواد شدن است. دلیل این متدعا قلمدانهایی است که برای زنان و کودکان ساخته‌اند و نمونه‌های فراوانی از آنها وجود دارد. اصولا ساختن قلمدان، با ظرافت و با نقشهای دلپذیر و مایه‌های غنی هنری، به این خاطر بوده است که مردم را به داشتن قلمدان برانگیزد و چون لازمه به کار گرفتن قلم و قلمدان، آشنایی به خواندن و نوشتن بود، به این ترتیب توده‌های مردم، از هر طبقه و

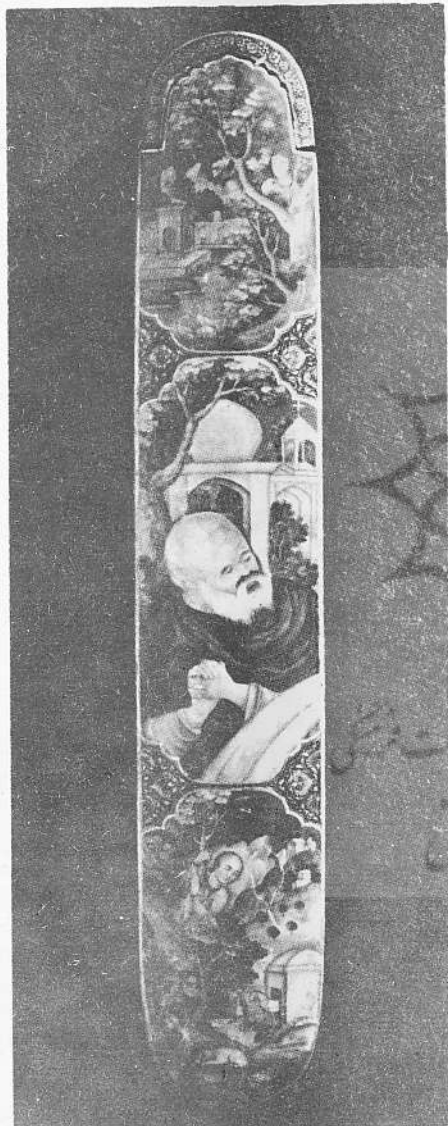


۱ - قلمدان رنگ و روغنی لاک‌کشی کسوی (از پهلوی)، نگاره بزرگان دارالعلم شیراز، عمل آقا بزرگ شیرازی، سده ۱۳ ه. ق.، موزه هنرهای تزئینی.



کاغذ ابداعاتی صورت گرفت و ساختن آن آسانتر شد.

چنان که در بالا اشاره شد ماده اصلی اکثر قلمدانها خمیر کاغذ است که از کوبیدن قطعات خرد شده کاغذ و سریشم در هاون سنگی به دست می آید. برای ساختن قلمدان از دو قالب اصلی قلمدان که از چوب محکمی تهیه می شود استفاده می کنند؛



۴ - قلمدان رنگ و روغنی لاکمی کشویی (از بالا) ، نگاره پیرمرد ، عمل آقا نجفعلی اصفهانی با رقم «پاشاه نجف» ، سده ۱۳ ه.ق. ، موزه هنرهای تزئینی .

صنفی، به سوادآموزی تشویق می شدند.

قلمدان برای قدیمی ها فقط وسیله نگهداری انواع قلم نبود بلکه پدیده ای بود هنری و زیبا، به همین جهت زیباترین آثار هنری ایران در ۳۰۰ سال اخیر ظاهر شده است .

قلمدان به جای کیف و یا محل نگهداری کاغذ، سر کب ، قلم تراش، قطزن، قیچی ، قطعه سنگ قلم تراش تیز کن ، و قاشق مخصوصی که با آن آب در دوات می ریختند استفاده می شده است. همچنین به عنوان جعبه ابزار و جعبه نگهداری دارو، لوازم شخصی و جواهرات و تزیینات دیگر نیز مورد استفاده بوده است .

اکثر این قلمدانها را از خمیر کاغذ یا خمیر مقوا یا از لایه های بهم چسبیده کاغذ می ساختند. بدنیست قبل از این که به فن ساختن قلمدان بپردازیم اشاره ای به فن کاغذسازی در گذشته داشته باشیم: برای ساختن کاغذ در زمانهای گذشته، نخست کاغذهای بیکاره، پارچه های کهنه، تراشه چوب و گونی و پنبه را در دستمال بزرگی می بستند و در آب می گذاشتند تا پیوسد. بعد آن را از آب درآورده و به صورت خمیر ناهمواری روی سنگ قرار می دادند و با تیشه نرم می کردند. این خمیر را مجدداً در حوضچه پر آبی می انداختند و با پارویی آب را به هم می زدند. سپس استادکار با قالبی حصیری ( تکه حصیری چارچوب دار ) خمیر را از حوضچه بیرون می آورد و آب آن را از حصیر خارج می کرد.

خمیر قالبی را، در لایه های چهارتایی بر روی سنگی صاف قرار می دادند و تخته ای محکم روی لایه های خمیر می گذاشتند و با لگد کردن تخته، آخرین قطرات آب را از مغز خمیر خارج می کردند . آنگاه لایه های چهارتایی را در آفتاب می خشکاندند. کاغذ بدست آمده رنگ سفید نداشت و ضخیم بود. دو رویه کاغذ مزبور را با چسب مرغوبی می اندودند تا صاف و براق شود. کاغذ سفید را در اصفهان تهیه می کردند و از مسلمین ، جعفر برمکی اولین کسی بود که به کمک صنعتگران خراسان، ساختن کاغذ را معمول کرد. از آن زمان به تدریج در ساختن



به این نحو که ابتدا با آغستن قالبها به صابون مانع چسبیدن خمیر یا لایه‌های کاغذ به قالب می‌شوند. قلمدانساز، کار را با بخش درونی که زبانه قلمدان خوانده می‌شود آغاز می‌کند و خمیر را در اطراف و کف قالب قرار می‌دهد. هنگامی که سطح خمیر خشک شد آن را با قطعه چوبی مهره‌کشی می‌کند تا هموار و فشرده شود. پس از آنکه این لایه بازم خشک‌تر شد لایه دیگری از خمیر بر آن می‌مالد و مراحل پیش را تکرار می‌کند. سپس خمیر را در قالب بخش بیرونی که طبله یا جلد قلمدان نام دارد قرار می‌دهد و مانند قبل در دو مرحله عمل می‌کند. هنگامی که خمیر کاملاً خشک شد آن را با چاقوی مخصوصی که ابزار قالب‌بری نام دارد باز می‌کند. این برش که به کله‌بری معروف است در حدود  $\frac{2}{5}$  سانتی‌متر از انتهای جلد قلمدان صورت می‌گیرد و عمود بر طول قلمدان در طرفین آن انجام می‌شود. دو سر قلمدان به صورت یک نیم‌دایره یا خط شکسته‌ای مشهور به دهان ازدری بریده می‌شود. درپوش بریده شده، و باقی جلد قلمدان از قالب به بیرون لغزانده می‌شوند و این عمل به برکت کشیدن صابونی که در آغاز کار صورت گرفته به آسانی انجام می‌شود. زبانه قلمدان نیز به همین نحو از قالب جدا شده و درپوش بریده شده به انتهای آن نصب و چسبانده می‌شود. هنگامی که جلد قلمدان بر مابقی زبانه لغزانده می‌شود، با درپوش آن جفت شده و قلمدان را می‌بندد.

برای ساختن قلمدانهای کوچکتر، فقط از یک قالب - که قالب زبانه نام دارد - استفاده می‌شود. پس از آن که صابون‌کشی به دقت انجام شد، قلمدانساز به قرار دادن یک نوار کاغذ در اطراف قالب و یک نوار دیگر در زیر آن اقدام می‌کند، هر گونه زائده کاغذ (زاویه) را تاسی کند و به آن سریشم می‌مالد و نوار دیگری روی آن قرار می‌دهد و هر بار هم بریده‌ای از نوار کاغذی را به میز خود می‌چسباند تا حساب تعداد لایه‌ها را داشته باشد. پس از نصب هر سه لایه، کاغذ را با سطح سوهان می‌فشرده و آج سوهان باعث می‌شود که کاغذ مرطوب و چسب

به خوبی متراکم شوند. سپس سطح کار با یک قطعه چوب یا قلم استخوان گوسفند مهره‌کشی می‌شود. پس از نصب حداقل ۲۸ لایه، عمل کاغذچسبانی تمام شده و کار به کناری گذاشته می‌شود تا خشک شود. برای ساختن جلد، سطح کاملاً خشک شده کاغذ را به دقت صابون می‌کشند، آنگاه نصب لایه‌های کاغذ را آغاز می‌کنند و این بار سراسر سطح کار را صابون‌اندود می‌کنند. در این مورد نیز، فشردن و هموار کردن کار پس از نصب هر سه لایه متوالی تکرار می‌شود و پس از نصب ۲۸ لایه کار به انتها می‌رسد. پس از خشک شدن لایه‌ها، استاد قلمدانساز به دقت، همانند مورد پیش، درپوش را از انتهای کار می‌برد، اما این بار از ابزاری استفاده می‌کند که نیش آن درست به اندازه ضخامت جلد قلمدان است به طوری که زبانه قلمدان آسیبی نمی‌بیند. سپس درپوش و جلد قلمدان از روی زبانه به بیرون لغزانده می‌شوند، قالب زبانه از محل خود خارج می‌گردد و درپوش به یک انتهای زبانه چسبانده می‌شود. پس از آن که هر دو نوع قلمدان، اعم از خمیری و کاغذی، کاملاً خشک شدند، مراحل رنگ‌سازی، بوم‌سازی، نقاشی و عمل روغن‌زنی روی قلمدان آغاز می‌شود.

#### رنگ‌سازی

رنگهایی که برای نقاشی روی قلمدان و جلد کتاب و رحل قرآن و اوراق آس به کار می‌رفته است اکثراً رنگهای معدنی و آبرنگ بوده و نه رنگهای روغنی. این رنگها که در مشرق زمین متداول بوده، رنگهای ثابتی بوده است. نقاشان و استادان رنگ، تقسیم‌بندیهای زیادی روی رنگها انجام داده‌اند. بعضیها رنگها را به سه طبقه رنگهای مفرد، رنگهای مرکب و رنگهای درهم تقسیم‌بندی کرده‌اند. رنگهای مفرد عبارتند از زرد، سرخ، آبی، کبود، زنگاری، کاهی، گل شفتالویی، حنایی، و رنگهای مرکب عبارتند از عودی، سوسنی، سبز، مرمری و نارنجی. رنگهای درهم که ابری نیز خوانده می‌شوند به دو قسمت تقسیم می‌شوند:

۱ - آبی و آهاری ساده



زعفران ریشه دار را که ریشه اش کاملاً تمیز شده باشد خوب ساییده و به آن حدود یک سیر آب اضافه می کنند. سپس آن را در ظرف شیشه ای در بسته ای گذاشته و به مدت سه روز در معرض تابش مستقیم آفتاب قرار می دهند. پس از سه روز که مرتباً زعفران رنگ انداخت و شیره آن بیرون آمد، محلول را از صافی بسیار ریزی گذرانده و در ظرف دیگری قرار می دهند تا املاح شناور در محلول ته نشین شود. از محلول به دست آمده جهت رنگ آمیزی استفاده می کنند.

ج : رنگ زرنیخ

زرنیخ بر دو نوع است : زرنیخ ورقی و زرنیخ کلوخی. زرنیخ ورقی درخشان تر از زرنیخ کلوخی است و برای درست کردن رنگ آن، ابتدا مقداری زرنیخ ورقی را در هاون سنگی ساییده و در پارچه کرباسی قرار می دهند. سپس آن را با آب سرد صلایه نموده و آنگاه با صمغ عربی یا انگم آغشته و استفاده می کنند.

د : رنگ نارنجی

مقداری زعفران را با آب گل معصفر مخلوط کرده و استفاده می کنند. این رنگ را هم چنین با استفاده از سرنج - که از سرب سوخته گرفته می شود - تهیه می کنند.

بعضی از نقاشان معتقدند که در نقاشی ایرانی دونوع رنگ به کار می رفته است یکی رنگهای غیر شفاف و حاجب ماوراء که آنها را رنگهای جسمی می گویند و دیگر رنگهای شفاف و نشان دهنده ماوراء که آنها را رنگهای روحی می گویند. رنگهایی که در نقاشی روی قلمدان و نیز سایر هنرها به کار می رفته تقریباً به ترتیب ذیل بوده است :

۱ - از گروه رنگهای جسمی

الف : رنگ سفید

رنگ سفید از جوشاندن سرب به دست می آید. به این ترتیب که به مقدار دلخواه سرب را در دیگی آب کرده و مجدداً آن را روی اجاق پر از آتش قرار می دهند. وقتی که سرب مثل سرمه نرم شد، درپوش دیگ را محکم می کنند تا هوا خارج نشود. وقتی که سرب خوب پخت آن را سه بار با آب نمک شسته و بعداً به کمک محلول سرکه و نوشادور، شروع به ساییدن می کنند و این کار چندین بار تکرار می شود. بعد از تمیز کردن نوشادور از روی سرب، برای آخرین بار آن را شستشو داده و مورد استفاده قرار می دهند.

ب : رنگ زرد

برای درست کردن رنگ زرد ابتدا یک مثقال



۳ - نمای پهلویی قلمدان رنگ و روغنی لاکه کشویی ، مجلس درس و بحث ، (رک . توضیح تصویر شماره ۲)



۵ : رنگ شنجرف

که اصل آن از گوگرد و سیماب است برای رنگ قرمز به کار گرفته می شود.

و : رنگ سبز

از آمیختن قدری رنگ کبود یا کبودک با رنگ زرد آب گل معصفر به دست می آید و پس از صاف شدن مورد استفاده قرار می گیرد.

ز : رنگ سبز سیلو

سبز خاصی است که از آمیزش دو رنگ به دست می آید و ملاحظت و زیبایی خاصی دارد.

ح : سبز چمنی

ط : رنگ تریاکی متمایل به زرد

از گل مالشی ( نوعی خاک معدنی زردرنگ ) تهیه می شود.

ی : قهوه ای مایل به قرمز

از گل اخرا تهیه می شود.

۲ - از گروه رنگهای شفاف یا روحی

الف : رنگ آبی

این رنگ در حقیقت هم جسمی است و هم روحی که بستگی به غلظت و رقت آن دارد. از لاجورد حل که از کوه بدخشان به دست می آید درست می شود. بدین نحو که لاجورد حل را پس از صلاویه کردن می شویند و سر آب آن را می گیرند. آنچه می ماند به غایت رنگین و شکفته است. وقتی که بخواهند آن را به صورت رنگ مورد استفاده قرار دهند، اول آن را با صمغ خمیر می کنند و پس از مالش زیاد، با آب صمغ آنقدر رقیق می کنند تا قابل استفاده شود.

ب : رنگ آبی

این نوع رنگ را با ترکیب نیل خام سرابی و اسفیداج و آب صمغ به دست می آورند. ابتدا به صورت خمیر است که پس از رقیق شدن با آب صمغ به صورت رنگ مورد استفاده قرار می گیرد.

ج : رنگ سیاه

برای تهیه رنگ سیاه از دوده استفاده می شده است. بدین نحو که چراغی را پر از روغن خالص کتان می کردند و قتیله پنبه ای محکمی را در داخل

چراغ می گذاشتند و آن را روشن می کردند. سبویی شکسته را هم به جای لوله چراغ مورد استفاده قرار می دادند. چراغ در جایی محفوظ، دور از باد قرار می گرفت و می سوخت تا دود حاصله، در داخل لوله جمع شود. سپس دوده را با پز مرغی در کاغذی می ریختند و آن را در خمیری پیچیده و خمیر را در تنور گرم می گذاشتند تا چربی آن بسوزد. پس از سوختن چربی، دوده را از تنور بیرون می آوردند و مقدار ده گرم از آن را با ۲۰ گرم صمغ عربی پاک تا سه شبانه روز در آب می جوشاندند و پس از سرد شدن با دوده ساییده شده درهاون مخلوط می کردند تا خمیری به دست آید. آن گاه خمیر را کاملاً با دوده می کوبیدند تا هر دو به هم آمیخته و پودر شوند. سپس پانزده گرم مازوی رسیده بی سوراخ را مثل گندم و جو به مدت ۶ روز در آب می خیساندند و در آفتاب می گذاشتند تا شیره آن کاملاً بیرون آید و شیره حاصله را قطره قطره به دوده اضافه می کردند. سپس ۶ گرم زاگ ترکی را که گوگرد آن به وسیله حرارت از بین رفته نرم ساییده و صلاویه کرده و به دوده اضافه می کردند. پس از آن قدری آب حنا، آب و سمه، گلاب، عرق نسترن و آب زعفران و نمک و اندکی سروراید و مرجان سوده و مقداری زر و سیم، مس و برنج حل و شنجرف و لاجورد به دوده اضافه می کردند. با خاصیتی که هر یک از مواد نامبرده داشت ترکیب به دست آمده هرگز به سبب آب و هوا تبدیل و تغییری نمی پذیرفت و دوامی بسیار داشت. نوع آسانتر آن از سوزاندن نشاسته در ظرف و اضافه کردن گلاب به آن به دست می آمد.

د : رنگ زرد

که آن را از عصاره ریونه به دست می آوردند.

ه : رنگ قرمز

این نوع رنگ قرمز را از جوشاندن کرمهای قرمز دانه ( که در کناره های بحر خزر موجودند ) در شراب به دست می آوردند، بدین نحو که پس از جوشانیدن کرمها در شراب، مدتی محلول را کنار می گذاشتند تا ته نشین شود. سپس آن را می خشکاندند و گاهی هم با گیج مخلوط می کردند و مورد استفاده



قرار می‌دادند.

و: رنگ سبز زنگاری

با استفاده از مس و سرکه و قرار دادن آنها به مدت ۴ روز در چاه آب به دست می‌آمد.

### بوم سازی

غیر از بوم سفید که آن را از سفیداب سرب ( ماده‌ای پوشاننده که به سرعت خشک می‌شود و در صورت سازی مورد استفاده دارد) تهیه می‌کردند زمینه یا بوم را از مخلوطی از رنگهای جسمی و سریشم گرم، شیرۀ انگور (شهد)، کتیرا یا انگم (صمغ عربی) و یا سفیدۀ تخم مرغ می‌ساختند. بدیهی است که از رنگهای روحی برای تهیه زمینه و بوم استفاده نمی‌کردند. رنگهای روحی را با شیرۀ تنها می‌آمیختند و رنگهای جسمی را با شهد و سریشم و یا کتیرا یا انگم (صمغ عربی). بوم از هر نوعی که بود باید روی آن روغن کمان می‌زدند و روغن کمان روغنی است که سابقاً کمان تیراندازی را با آن صیقل می‌دادند و مخلوطی است از روغن سندروس ( ماده‌ای زجاجی و شبیه کهربا) و روغن بزرک، به همراه روغن جلای دیگر. به این ترتیب که ۷۰٪ روغن بزرک را به همراه ۱۰٪ روغن سندروس و ۱۰٪ روغن جلا در دیگ بزرگی ریخته می‌جوشانند و بلافاصله روی آن را کاملاً می‌پوشانند تا از انفجار جلوگیری به عمل آورند (مخلوط به دست آمده قابل انفجار بوده و بسیاری از هنرمندان بارها بر اثر آن زخمی شده‌اند). روغن را آن قدر می‌جوشانند تا به صورت خمیر درآید و سپس آن را به شکل قطعاتی در می‌آوردند و می‌گذاشتند تا سرد شود. آنگاه آن را در ظرف شیشه‌ای نگهداری می‌کردند و سالها مورد استفاده قرار می‌دادند. بعد از روغن کمان زدن روی بوم، لعاب رقیقی از سریشم داغ را به وسیله پارچه تری روی سطح مورد نظر می‌کشیدند و این عمل اصطلاحاً واشور کردن نامیده می‌شد.

### انواع بوم

۱ - بوم سفید

طرز تهیه این بوم که برای صورت سازی مورد استفاده قرار می‌گرفت به این ترتیب بود که

۴ - سر طبله قلمدان رنگ و روغنی لاکی کشویی ،  
نقش و رقم خود سازنده و نقاش قلمدان ،  
آقا بزرگ شیرازی ( ر. ک. توضیح تصویر  
شماره ۱ ) .



چهل مثقال سفیداب را با ۱۰ مثقال کتیرا یا سریشم و سه مثقال شیرۀ انگور یا شهد یا صمغ عربی (انگم) مخلوط کرده و مثل رنگ روی سطح قلمدان یا جلد یا قاب آینه می‌کشیدند و پس از خشک شدن، سطح را با سوهان بسیار نرمی صاف کرده و کار را برای مرحله بعدی آماده می‌ساختند.

۲ - بوم مرقش

مرقش به فتح میم وقاف همان مرقشیشا است که به عربی حجرالنور گفته می‌شود. مرقش خاکی سیاه و معدنی است که به براده‌های ریز نقره آمیخته است و در انارک به وفور وجود دارد. بوم مرقش را به این ترتیب درست می‌کردند که روی قلمدان یا جلد کتاب یا قاب آینه را مخلوطی از کتیرا یا سریشم یا شیرۀ (شهد) می‌مالیدند و بعد از خشک شدن و سوهان کاری، روی آن را یک بار روغن کمان می‌زدند. سپس مرقش خشک را که مانند شن نرم است روی سطح اندوده به روغن کمان می‌پاشیدند چنانکه گرد مرقش تمام سطح را می‌پوشاند و به روغن می‌چسبید. بعد آن را در محفظه‌های شیشه‌ای منفذدار به مدت ۷۲ ساعت خشک می‌کردند و در نتیجه زمینه مثل کاغذ سمباده زبر و دانه‌دانه می‌شد



و نقره‌ها برق می‌زدند. این عمل را یک‌بار دیگر تکرار کرده و سپس با سوهان نرمی شروع به سوهان کاری می‌کردند تا تمام ناهمواریهای سطح از بین برود و سطح، صاف شود. بوم مرقش را معمولاً به سه رنگ زرد، قرمز و سبز در می‌آوردند. مرقش زرد را به وسیله عصاره ریونه رنگ می‌کردند تا ذرات نقره‌ای به صورت زرد درخشان و براقی جلوه کند. مرقش قرمز را به وسیله کرمهای قرمز دانه و مرقش سبز را به وسیله سبز زنگاری، که البته همه رنگهای روحی هستند، رنگ می‌کردند و پس از رنگ کردن روغن کمان زده و پس از خشک کردن آن را سمباده زده و واشور می‌کردند.

### ۳ - بوم موجی

برای ساختن این نوع بوم، قلع کوبیده را با محلول رقیق و داغ سریشم در آب مخلوط کرده و به روی سطح قلمدان می‌کشیدند، آنگاه آن را با عقیق تراش دار و یا سنگ یشم، مهره کشی کرده و بدینسان زمینه را مثل نقره براق می‌کردند. روی این زمینه معمولاً با دو رنگ کار می‌کردند، یکی با مخلوط قرمز دانه و روغن کمان و دیگری با مخلوط سبز زنگاری و روغن کمان. بدین ترتیب متنی قرمز یا سبز ته نقره‌ای به دست می‌آمد. آنگاه با شانه‌ای که جای دنده‌های آن سوزن خیاطی به چوب می‌بستند روی سطح، شیاریهایی از طول و عرض ایجاد می‌کردند. به این شکل شطرنجهای بسیار ظریفی روی متن به وجود می‌آوردند و بعد از خشکانیدن آن در آفتاب و روغن کمان و سمباده زدن، روی این بوم نقاشی می‌کردند.

### ۴ - بوم دودی یا کشفی یا لاک‌پشتی

برای درست کردن این نوع بوم، نخست روی سطح قلمدان یا جلد یا قاب آینه و غیره را با مخلوطی از رنگهای باز و روغن کمان محلول در نفت به نسبت سه به یک می‌پوشاندند، بعد چراغی حاوی روغن کتان را روشن کرده، قیفی را به‌طور وارونه روی فتیله آن قرار می‌دادند و سطح مورد نظر را روی دهانه گشاد نگاه می‌داشتند تا دوده به صورت ابری بر آن بنشیند و به رنگ آمیخته به روغن بچسبد.

پس از خشک شدن، روی این سطح روغن کمان می‌زدند، بعد سمباده زده و واشور می‌کردند.

### ۵ - بوم ابری یا کاغذ ابری

در تهیه این بوم دو طریق معمول بود:

الف - بر روی مایع نشاسته رنگهای مختلفی، بخصوص از رنگهای گروه روحی، می‌ریختند و وقتی رنگها در هم می‌دویدند، کاغذ را درون محلول فرو برده و کاغذ رنگین را که شکلهای دلپذیری می‌یافت، پس از خشک شدن، بر سطح قلمدان می‌چسباندند.

ب: حریطه ساییده با آب و افتیمون را با چند رنگ از گروه رنگهای روحی، به‌طور جداگانه، مخلوط می‌کردند و در پیاله‌های مختلف می‌ریختند. بعد کمی آب در یک سینی می‌ریختند و با قلم‌مو، از دویا سه رنگ، لکه‌هایی در ظرف آب ایجاد می‌کردند تا رنگها درهم بدود. بعد کاغذ سفید را روی آب می‌انداختند و فوراً بر می‌داشتند. رنگها مثل ابرهای رنگین بر صفحه کاغذ نقش می‌بست. کاغذ رنگین را در آفتاب خشک می‌کردند و بر سطح مورد نظر می‌چسباندند.

### ۶ - بوم ته طلایی سبز و قرمز

روی مقوا لعابی از مخلوط سریشم، کتیرا و شیره انگور (شهد) می‌زدند و پس از روغن کمان زدن آن را در آفتاب دونم می‌کردند. یک ورق کاغذ طلایی (زرورق) را روی سطح آن می‌چسباندند و در آفتاب قرار می‌دادند و آنگاه از قرمز، قرمز دانه یا سبز (زنگار مس) مخلوط با روغن کمان روی ورق طلا می‌زدند.

### ۷ - بوم سیاه

مرکب یا دوده را با کتیرا، سریشم و شیره مخلوط می‌کردند و روی سطح می‌مالیدند و بعد از روغن زنی و خشک کردن، سمباده می‌زدند و واشور می‌کردند.

چنانکه ملاحظه شد، بوم‌سازی در ایران با وسایل بسیار ابتدایی انجام می‌شده، اما با همین وسایل بدوی نیز پیشینیان ما چنان آثار نادر و زیبایی به وجود آورده‌اند که ما اینک، با داشتن وسایل علمی و فنی،



از ایجاد نظایر آنها عاجزیم .

بومهایی که ذکر شد در غالب هنرهای کاغذی یعنی در جعبه سازی ، مرقع ، رحل قرآن ، جلد کتاب و قلمدان سازی مورد استفاده داشته است . برای مینیاتور و تذهیب سازی ، غالباً کاغذ را به سفیده تخم مرغ می آلودند و روی آن ، آن قدر مهره می زدند تا صیقل یابد . بعد از تهیه بوم ، روی قلمدان را نقاشی می کردند . بدین نحو که ابتدا طرح اصلی را با گرده می ریختند و یا با قلم ظریف و سفیدآب ترسیم می کردند و سپس رنگ می زدند . موضوع نقش روی قلمدانها غالباً داستانهای قدیمی و شاعرانه و معمولاً صحنه های مختلف شکار ، رزم ، زراعت و غیره و در هر حال تحت تأثیر سبک نقاشی متداول در هر عهد ، بوده است .

در زمان صفویه و زندیه ، طرح گل و بوته و انواع پرند روی قلمدانها مرسوم شد . انواع گلها مخصوصاً گل سرخ و لاله و شقایق و سوسن و اقسام بوته ها مانند بوته فندق و غیره و پرندگان از قبیل بلبل ، دارکوب ، طوطی و طاووس روی قلمدانها نقش شدند .

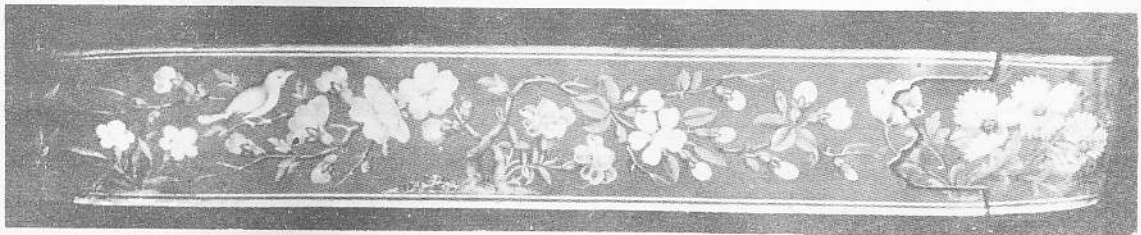
روی بعضی از قلمدانها ، خاصه قلمدانهای عهد قاجاریه ، به مناظری شبیه مناظر غربی ، با رعایت

پرسپکتیو و سایه روشن بر می خوریم . از نقاشان معروف قلمدان باید از محمد زمان بن حاجی یوسف ، محمد هادی ، ابدال بیگ ، ابوالقاسم حسینی مذهب ، محمد باقر ، آقا زمان دوم ، آقا صادق ، الله وردی نقاش ، آقا نجف علی اصفهانی ، محمد کاظم بن نجفعلی اصفهانی ، محمد جعفر بن نجفعلی اصفهانی ، احمد بن نجفعلی اصفهانی ، محمد علی بن نجفعلی اصفهانی ، محمد اسمعیل نقاشباشی پسر میرزا بابا حسینی نقاش ، حیدر علی بن محمد اسمعیل نقاشباشی ، میرزا ابوالحسن خان صنیع - الملک غفاری ، محمد مهدی حسینی امامی ، استاد محمد تقی امامی ، میرزا آقا بزرگ شیرازی ، سید علی اصفهانی ، فتح اله شیرازی ، آقا مصطفی حسینی امامی ، محمد حسین شیرازی ، محمد ابراهیم حسینی نقاشباشی ظل السلطان ، استاد سمیرمی ، ابوطالب مدرس ، محمود خان شریف ملک الشعرا ، سید میرزا ، احمد بن محمد مهدی ، زین العابدین ، میرزا نصراله نقاشباشی ، آقا محمد جواد ، محمد همدانی ، نعمت اله سهم الدوله ، لطفعلی شیرازی ، مبارک بن محمود میرزا ، لطف اله حمزوی ، عبد الوهاب مذهب باشی ، محمد حسن مذهب ، محمد علی تبریزی ، ابوالقاسم انجدانی ، محمد صادق امامی ، نصراله امامی نام برد .

نقاشی قلمدانها به شیوه آبرنگ با استفاده از



۵ - قلمدان رنگ و روغنی لاکمی کشویی (از بالا) ، نقش درخت و گل و پرند ، بدون رقم ، منسوب به لطفعلی شیرازی ، نیمه دوم سده ۱۳ ه . ق . ، سوزه هنرهای تزئینی .



۶ - نمای پهلویی قلمدان رنگ و روغنی لاکمی کشویی (ر . ک . توضیح تصویر شماره ۷) .





۷ - قسمتی از نمای پهلویی قلمدان رنگ و روغنی  
لاکی کشویی ، نگاره بزرگان دارالعلم شیراز  
و صحنه های صف آرایی میادین جنگ (رک .  
توضیح تصویر شماره ۱) .

هنرمند تنها به نوشتن نام و نسب و شهرت خود و  
احیاناً تاریخ اثر اکتفا می کرد. ولی از اواخر دوره  
صفویه ، تحولی در رقم زدن هنرمندان ایجاد شد،  
بدین معنی که بعضی از هنرمندان ، بنا به تفتن ،  
عبارت رمزی و اشاری مسجع با توجه به امور مذهبی  
و تاریخی ، برای ترقیم آثار خود برگزیدند که سالها  
معمول و برقرار بود.

نخستین نمونه این گونه رقم زدن، در میان آثار  
محمد زمان بن حاجی یوسف، استاد نقاش و قلمدان ساز،  
ظاهر می شود که ساخته های خود را گاهی با عبارت  
« یا صاحب الزمان » و گاه « کمترین بندگان محمد  
زمان » و گاه تنها « محمد زمان » یا « کمترین بندگان  
حاجی محمد » رقم زده است.

از این هنرمند معروف که بگذریم هنرمند  
قلمدان ساز دیگری به نام آقازمان، معروف به آقازمان  
دوم، در تمام دست ساخته های خود رقم « یا صاحب  
الزمان » را ترقیم کرده است .

قلم موهایی انجام می گرفت که هنرمندان با زحمت  
فوق العاده زیادی آنها را می ساختند؛ بدین نحو که  
نخست مقدار از موی پشت گربه دو ماهه یا از  
موی دم سنجاب یا سمور را می گرفتند و هر تار مورا  
نصف کرده و در آب خیس می کردند و در عین حال  
مراقب بودند که حالت ایستای مو حفظ شود. سپس  
موها را یکایک روی کاغذ می گذاشتند تا خشک  
شود. آنگاه آنها را با شست، شانه و مرتب می کردند.  
بعد پر کبوتری را روی صفحه ای شیشه ای  
می گذاشتند و نوک آن را با اندکی انحراف و نیز  
قسمتی را که در آن پر دوشاخه می شود می بریدند.  
موها را دسته کرده با نخ می بستند، سپس در چسب  
فرو می بردند تا به شکل سر قلم مو درآید. نخ را از  
انتهای پهن پر می گذراندند و سر دسته موهای گربه  
را داخل نوک پر کرده با نخ آن قدر می کشیدند  
تا از طرف دیگر پر بیرون بیاید. چسبی که به موها  
زده بودند آنها را پس از خشک شدن به بدنه پر  
متصل می کرد.

نقاشان پس از اتمام نقاشی ، کارهایشان را  
امضاء و ترقیم می کردند و البته برخی از آنان نیز در  
اثر فروتنی و بی ادعایی و انزواگزینی رقمی نمی زدند.  
رقم زدن تا اواخر دوره صفویه بسیار ساده بود و



بعد از آقازمان، علی اشرف، نقاش و قلمدان ساز معروف، کلیه آثار خود را چنین رقم می زده است: « زبعت محمد علی اشرف است » و آقا صادق یا محمد صادق آثار خود را با « یا صادق الوعد » یا « یا امام جعفر صادق (ع) » یا « صادق از لطف علی اشرف شد » ترقیم می کرد.

محمد هادی نقاش باشی، آثار خود را با رقم « محمد هادی مهدی » و « کلک شد از رقم هادی زر نشان » مشخص می کرده است و میرزا احمد نقاش و قلمدان ساز با عبارت « رقم بصفحه فرمان شاه گیتی زد » یا « غلام زاده شاهنشاه جهان احمد » و « فیخر انبیاء احمد » یا « احمد از بعد علی اشرف بود » رقم می زده است. محمد جواد قلمدان ساز با عبارت « یا جواد من کان جواد » و آقا مصطفی قلمدان ساز با جمله « یا مصطفی » و « مصطفی را وعده داد الطاف حق » آثار خود را رقم می زده است. آقا نجف علی اصفهانی، نقاش باشی و قلمدان ساز معروف، رقم « یا شاه نجف » را روی آثار خود می آورده است.

پس از اتمام نقاشی و ترقیم، نوبت روغن کاری می رسید. روغنی که پس از اتمام نقاشی روی قلمدان مورد استفاده قرار می گرفت روغن کمان بود که به شرح و نحوه درست کردن آن در صفحات قبل اشاره شد. نقاش پس از اتمام کار نقاشی، روی قلمدان را قشر ضخیمی از روغن کمان می زد و به مدت ۷۲ ساعت قلمدان را در محفظه های شیشه ای منفذدار جلوی تابش آفتاب قرار می داد تا اثر بی این که کوچکترین گرد و خاکی روی آن بنشیند، خشک

شود. سپس هنرمند این عمل را ۸ بار به فواصل ۷۲ ساعت تکرار می کرد که پس از اتمام آخرین مرحله و خشک شدن روغن قلمدان، قلمدان آماده بود.

#### منابع و مآخذ

- ۱ - کتاب کارنامه بزرگان به قلم دانشمندان بزرگ ایران.
- ۲ - کتاب گلستان هنر، تألیف قاضی میر احمد منشی قمی.
- ۳ - کتاب لغات و اصطلاحات فن کتابسازی از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، به کوشش مایل هروی.
- ۴ - کتاب المخترع فی فنون من الصنع، از مؤلف گمنام.
- ۵ - صراط السطور سلطان علی مشهدی.
- ۶ - آداب المشق، میر عماد الحسنی سیفی قزوینی.
- ۷ - مداد الخطوط، میر علی هروی.
- ۸ - شاهکارهای هنر ایران، آرتور اپهام پوپ، ترجمه دکتر پرویز ناتل خانلری.
- ۹ - تاریخ نقاشی در ایران، دکتر زکی محمد حسن، ترجمه ابوالقاسم سبحان.
- ۱۰ - استحان الفضلا، میرزا سنگلاخ.
- ۱۱ - تاریخ ادبیات ایران، تألیف استاد جلال الدین همایی.
- ۱۲ - کتابشناسی نسخه های خطی از شادروان دکتر مهدی بیانی.
- ۱۳ - سیری در صنایع دستی از جان کلاگ.
- ۱۴ - مجله نقش و نگار، شماره ششم.
- ۱۵ - مجله هنر و مردم شماره ۱۱۵.
- ۱۶ - « « « « « ۱۶۰ - ۱۵۹
- ۱۷ - « « « « « ۷۳
- ۱۸ - « « « « « ۱۸۱
- ۱۹ - کتاب نگاهی به نگارگری ایران در سده های دوازدهم و سیزدهم.
- ۲۰ - صنایع دستی ایران، نوشته دکتر عیسی بهنام، صفحات ۱۶ - ۱۷ - ۱۸.

